

فضایل اخلاقی حضرت علی اکبر علیه السلام

بابک هادیان حیدری^۱

چکیده

حضرت علی اکبر علیه السلام فرزند ارشد امام حسین علیه السلام و لیلا - دختر میمونه بنت ابی سفیان حرب - است. ایشان با آن که امام نبود و ظرفیت وجودی اش به اندازه امام حسین علیه السلام نمی‌رسید، اما دارای فضایل اخلاقی بود که او را به الگویی دوست‌داشتنی در میان جوانان مبدل ساخته است و جوانان با پیروی از فضایل اخلاقی ایشان می‌توانند راه سعادت و رستگاری را بیمایند. از همین رو این مقاله بر آن شده که با روش توصیفی - تحلیلی، فضایل اخلاقی حضرت علی اکبر علیه السلام را با استناد به واقعیات تاریخی و روایات معتبر بررسی کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که فضایل اخلاقی حضرت علی اکبر علیه السلام دلالت بر عظمت و بزرگواری آن حضرت علیه السلام به عنوان شبیه‌ترین فرد در اخلاق به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و یک الگوی محبوب و حماسه‌ساز دارد.

واژگان کلیدی: حضرت علی اکبر علیه السلام، امام حسین علیه السلام، فضایل اخلاقی، کربلا.

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، الهیات و معارف اسلامی، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه مازندران
(applehdsahab@gmail.com)

۱. مقدمه

جوانان امروز در جوامع اسلامی نیازمند الگویی محبوب هستند که از آن الگوبرداری کنند. از این رو امروزه نیاز به الگویی شایسته و بایسته در تمامی سطوح احساس می‌شود. اما هر الگویی شایسته پیروی نیست؛ بلکه آن الگو باید تمامی ابعاد رفتاری اش با دین اسلام هم‌خوانی داشته باشد. یکی از این الگوهای شایسته، حضرت علی اکبر علیه السلام فرزند بزرگوار امام حسین علیه السلام است. ایشان از نظر فضایل اخلاقی، در اوج بزرگی بود. او به رغم امام نبودن، فضایی داشت که به واقع او را از زمینیان جدا ساخته بود. حضرت علی اکبر علیه السلام از استوانه‌های اصلی واقعه عاشورا در سپاه امام حسین علیه السلام بود. ایشان بر حق مداری و دفاع از اسلام تا پای جان تأکید کرد و با شهادت خویش فضایل اخلاقی بسیاری را برای آیندگان به ودیعه گذاشت.

آدمی در درازای زندگی خود فرصت‌هایی اندک دارد که باید آن‌ها را با ارزش بشمارد؛ چرا که او تنها یک بار در این گیتی زندگی می‌کند. از این رو برای همان یک بار که دیگر بر نمی‌گردد، باید یک الگوی بایسته اخلاقی برگزیند که با آن به سرمنزل مقصود برسد. از همین رو نوشتار حاضر می‌کوشد در این مجال کوتاه، به سبب شایستگی و بایستگی حضرت علی اکبر علیه السلام او را به عنوان یک الگوی برتر به جامعه اسلامی پیشکش کند.

درباره پیشینه این موضوع، مقالات و کتاب‌هایی نگاشته شده است؛ از جمله «نگاهی بر زندگانی و شهادت علی اکبر علیه السلام»، نوشته مرتضی حسینی، مجله سخن تاریخ، زمستان ۱۳۸۵، ش ۱؛ «حضرت علی اکبر علیه السلام»، اثر سید حسین ارستوجاهی، مجله هلال، فروردین ۱۳۵۰، ش ۱۱۰. اما این آثار، تنها بخشی از این موضوع را بررسی کرده‌اند؛ چرا که اولاً چندین موضوع را در یک مقاله گنجانده‌اند و دیگر این که فضایل اخلاقی حضرت علی اکبر علیه السلام را تنها از یک بُعد بررسی کرده‌اند؛ اما مقاله پیش رومی کوشد این موضوع را بر اساس تطبیق واقعیات تاریخی با روایات، بررسی نماید.

۲. فضایل اخلاقی

«فضایل» جمع «فضیلة»، به معنای درجه بزرگی و برتری و امتیاز، و برخلاف پستی و

عیب است (بستانی، ۱۳۷۵: ۶۶۶). «رذیلة» که جمع آن «رذایل» است، به معنای پستی و فرومایگی است که ضد واژه «الفضیلة» است (همو).

واژه «اخلاق»، جمع «خُلُق» به معنای خوی و طبع است که وقتی می‌گویند: «سَیِّئُ الخُلُقِ»، یعنی بداخلاق؛ «سُوءُ الخُلُقِ» یعنی بداخلاقی؛ «سَهْلُ الخُلُقِ» یعنی نرم‌خوی و خوش طبع (همو: ۳۷۲). بنابراین می‌توان گفت منظور از فضایل اخلاقی همان درجه و بزرگی خوی طبیعی یک فرد است.

۱-۲. شبیه‌ترین فرد به اخلاق نبوی

رسول خدا ﷺ در بالاترین قله‌های سجای اخلاقی قرار داشت. از همین رو خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾؛ (قلم: ۴)

و به یقین تو بر بلندای سجایای اخلاقی عظیمی قرار داری.

از جمله افرادی که در برخی از متون دینی به همین صفات تشبیه شده، حضرت علی اکبر علیه السلام است که می‌گویند این فضایل اخلاقی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ارث برده بود. ایشان از لحاظ صورت و سیرت اخلاقی کاملاً به رسول خدا صلی الله علیه و آله شباهت داشت، به طوری که نقل شده است هر وقت کسی مشتاق دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌شد به چهره مبارک حضرت علی اکبر علیه السلام نگاه می‌کرد. حتی این شباهت اخلاقی حضرت علی اکبر علیه السلام به اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله در میدان جنگ، زمانی که امام حسین علیه السلام می‌خواست ایشان را به میدان بفرستد نمایان شد که فرمود:

اللَّهُمَّ اشْهَدْ عَلَي هَوْلَاءِ الْقَوْمِ، فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ غَلَامٌ اشْبَهَ النَّاسَ خُلُقاً وَخُلُقاً وَمَنْطِقاً
بِرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله، كُنَّا إِذَا اشْتَقْنَا إِلَى نَبِيِّكَ نَنْظُرُنَا إِلَى وَجْهِهِ، اللَّهُمَّ امْنَعْنَهُمْ
بَرَكَاتِ الْأَرْضِ، وَفَرِّقْهُمْ تَفْرِيقاً، وَمَرِّقْهُمْ مَرِّقاً، وَاجْعَلْهُمْ طَرَائِقَ قِدْدَاءَ، وَلَا تُرْضِ
الْوَلَاةَ عَنْهُمْ أَبَداً، فَإِنَّهُمْ دَعَوْنَا لِيُنْصُرُونَا ثُمَّ عَدَوْا عَلَيْنَا يُقَاتِلُونَنَا؛ (بحرانی، ۱۴۰۷: ۲۸۵؛
عسکری، ۱۴۱۰: ۱۲۲/۳؛ لجنة الحدیث، ۱۴۱۶: ۵۵۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۴۵؛

یعقوب، ۱۴۱۸: ۳۲۸)

خدایا! بر این گروه ستمگر گواه باش که اینک جوانی به مبارزه با آنان می‌رود که از



نظر صورت و سیرت و گفتار، شبیه‌ترین مردم به رسول تو، حضرت محمد ﷺ است. ما هر زمان که مشتاق دیدار پیامبرت می‌شدیم، به چهره او می‌نگریستیم. خدایا! برکات زمین را از آنان دریغ دار و اجتماع آنان را پراکنده و متلاشی ساز و آنان را گروه‌های مختلف و متفاوتی فرارده و والیان آن‌ها را هیچ‌گاه از آنان راضی مگردان! که اینان ما را دعوت کردند تا به یاری ما برخیزند، ولی اینک ستمکارانه به جنگ با ما برخاستند.

این موضوع که آن حضرت ﷺ در اخلاق کاملاً شبیه رسول خدا ﷺ است در روایتی دیگر چنین نقل شده است که حضرت علی اکبر ﷺ پس از عبدالله بن مسلم بن عقیل به مبارزه پرداخت و سپس امام حسین ﷺ گریست و فرمود:

اللَّهُمَّ كُنْ أَنْتَ الشَّهِيدُ عَلَيْهِمْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمْ ابْنُ رَسُولِكَ وَأَشْبَهُ النَّاسِ وَجْهًا وَسَمْتًا
به؛ (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۱/۴۴: ۱۴۱۴، قمی، ۱۴۱۴/۳: ۳۲۶)

خداوندا! تو بر این قوم شاهد باش که اکنون پسر پیامبرت و شبیه‌ترین مردم به او از جهت چهره و سیما و از جهت روش و منہاج و خوی و اخلاق به پیکار با آنان رفته است.

۲-۲. بصیرت دینی

بصیرت به معنای بینایی دل است. راغب گوید: «به درک قلب، بصیرت و بصر (بر وزن فرس) گویند». این معنا، مرادف معرفت و درک است و همان است که از صحاح و اقرب الموارد نقل شد که یکی از معانی بصر، علم است. طبرسی در آیه ﴿ادْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا﴾ (یوسف / ۱۰۸)، آن را معرفت و بینایی دل بر شمرده است. از این روست که برخی بصیرت را عقل و زیرکی معنا کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۱: ۱/۱۹۵).

بصیرت، از بارزترین فضایل اخلاقی و عامل شکوفایی بسیاری از این فضایل است؛ چرا که با بصیرت، انسان به درک از حقایقی دست می‌یابد که انسان بی بصیرت، از این فضایل بی بهره است. بنابراین می‌توان گفت بصیرت، فضیلتی اخلاقی است که همان درک حقایق است و البته عاملی برای شکوفایی دیگر فضایل به شمار می‌رود. حضرت علی اکبر ﷺ نمونه بارز بصیرت است که آن هم در راه کربلا، هنگامی که کاروان امام

حسین علیه السلام به منزلگاهی به نام «ثعلبیه» رسید، به وقوع پیوست. در آن جا بود که امام حسین علیه السلام درحالی که سربر روی زانو نهاده بود، اندکی به خواب رفت و وقتی بیدار شد، فرمود:

سَمِعْتُ هَاتِفًا يَقُولُ: أَنْتُمْ تُسْرِعُونَ وَالْمَنَاءُ تُسْرِعُ بِكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ؛ (حلی، ۱۴۰۶: ۴۴، کلامه علیه السلام فی التعلیبه؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۶۷/۴۴، باب ۳۷)
شنیدم هاتفی می گوید: شما می شتابید و مرگ، شما را به سوی بهشت می شتاباند.

در این هنگام، حضرت علی اکبر علیه السلام سؤالی بسیار تأمل برانگیز پرسید:

يَا أَبَه! أَفَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟ (همان منابع)

پدر جان! آیا ما بر حق نیستیم؟

حضرت علیه السلام پاسخ داد:

بَلَى يَا بُنَيَّ وَالَّذِي إِلَيْهِ مَرْجِعُ الْعِبَادِ...؛ (همان منابع)

آری پسر من! به آن خدایی که بازگشت بندگان به سوی اوست، ما در راه حق و عدالت و در اندیشه نجات و آزادی مردم و زنده ساختن حقوق پایمال شده آنان و شرایط و روابط آزادمنشانه و خداپسندانه هستیم و برای خدا این رنج ها را به جان می خریم.

حضرت علی اکبر علیه السلام پرسید:

يَا أَبَه! إِذَنْ لِأُنْبَالِي بِالْمَوْتِ؛ (همان منابع)

در این صورت پس چه باک از مرگ پرافتخار و شهادت در راه خدا؟!؟

آن حضرت با این سؤال، بصیرت دینی خویش را آشکار کرد؛ چرا که با پرسش از برحق بودن، همه حاضران را متوجه برحق بودن اهل بیت علیهم السلام کرد و این نمونه ای از بصیرت دینی آن حضرت علیه السلام به شمار می آید.

۲-۳. عزت نفس

عزت، اسم مصدر، به معنای بزرگی، والایی و حمایت نفس است (بستانی، ۱۳۷۵:

۶۰۸). عزت نفس به عنوان یک فضیلت اخلاقی، آن جا اهمیت پیدا می کند که انسان در برخورد با دشمن از مسیر خود برنگردد و آرمان های خویش را رها نسازد؛ چرا که اگر فردی عزت نفس نداشته باشد، در لحظه برخورد با دشمن، تمامی اهداف خویش را وا می نهد. این عمل زمانی که اورهبریک گروه باشد، یک رذیلت اخلاقی به شمار می رود؛ چرا که در زمان حساس، به دلیل نداشتن عزت نفس، تمامی گروه خویش را به کام مرگ و تباهی می کشاند؛ اما انسان با عزت نفس آن چنان محکم است که حتی اگر با لشکری از دشمن برخورد کند، از هدف خویش باز نمی گردد. این جاست که عزت نفس به عنوان یک فضیلت جلوه گرمی شود. حضرت علی اکبر علیه السلام هنگامی که در میدان نبرد، با لشکری انبوه از دشمن مواجه شد، لحظه ای درنگ نکرد و حتی در برابر پیشنهاد یزدیان که «تواز مایی، پس به ما ملحق شو!» ایستاد و فرمود:

لقرابة رسول الله أحق ان ترعى من قرابة يزيد بن معاوية؛ (ابی نصر، ۱۴۱۳: ۳۰، اولاد الإمام أبی عبد الله الحسين بن علی الشهید علیه السلام)
 برای من خویشاوندی با رسول خدا شایسته تر از خویشاوندی با یزید بن معاویه است.

پس از این سخن، ایشان به میدان نبرد رفت و به حالت رجز فرمود:

أنا على بن الحسين بن علي نحن وبيت الله اولى بالتبى
 والله لا يحكمم فينا ابن الدعي أظعنكم بالرمح حتى ينثنى
 أضربكم بالسيف أحمى عن أبى ضرب غلام هاشمي علوى^۱

(صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲، المجلس الثلاثون؛ حلی، ۱۴۰۶: ۶۸)

همین ماجرا را ابن عساکر در کتاب خویش این گونه نقل می کند:

مردی از شامیان، علی اکبر، فرزند حسین علیه السلام را که مادرش آمنه، دختر ابومرّة بن عروة بن مسعود ثقفی بود و مادر آمنه نیز دختر ابوسفیان بن حرب (جد یزید) بود،

۱. منم علی، پسر حسین، فرزند علی. به خانه خدا سوگند! ما به رسول خدا از هر کسی سزاوارتریم. به خدا سوگند! پسر زیاد را نمی رسد که درباره ما حکم کند. آن قدر با نیزه بر شما بزنم تا کج شود. در حمایت از پدرم، با شمشیر بر شما ضربت فرود آورم؛ ضربتی چون ضربت جوان هاشمی علوی!

فراخواند وگفت: تو با امیر مؤمنان [یزید]، خویشاوندی داری و به او نزدیکی. اگر خواهی، ما به تو امان می دهیم و به هرکجا که دوست داشتی برو! علی اکبر گفت: «بدان که به خدا سوگند رعایت خویشاوندی پیامبر خدا ﷺ، لازم تر از رعایت خویشاوندی ابوسفیان است». سپس به او هجوم بُرد و چنین سرود: من علی، پسر حسین بن علی ام. به خانه خدا سوگند که ما به پیامبر ﷺ نزدیک تریم. (نک: ابن عساکر، ۱۴۱۴: ۳۲۵)

از این رومی توان گفت عزت نفس، آن فضیلت اخلاقی است که انسان را از عقب نشینی درباره هدف والا بازمی دارد؛ چرا که انسان با بصیرت هرگز عزت نفس و اهداف ولای خویش را رها نمی کند؛ بلکه با شجاعت بسیار، در این مسیر و برای رسیدن به آن اهداف گام برمی دارد. بر اساس روایت فوق، حضرت علی اکبر علیه السلام با آن که با لشکر انبوه دشمن روبه رو بود، اما آنی عزت نفسش را دست نداد و در میدان ایستاد و جنگید و با این کار خویش، جلوه ای از اخلاق محمدی به منصفه ظهور نهاد.

۲-۴. ایثارگری

یکی از جلوه های ایثارگری در شب عاشورا رخ داد؛ آن زمان که دشمنان آب را بر اهل بیت علیهم السلام بستند. در این زمان بود که امام حسین علیه السلام فرزند خویش حضرت علی اکبر علیه السلام را با سی تن در پی آب فرستاد. آنان با ایثارگری در آن شب رفتند و توانستند آب بیاورند. همین موضوع را شیخ صدوق رحمته الله در کتاب اُمالی چنین بازگویی کند:

وَأَرْسَلَ عَلِيًّا ابْنَهُ علیه السلام فِي ثَلَاثِينَ فَارِسًا وَعِشْرِينَ رَجُلًا لِيَسْتَقُوا الْمَاءَ وَهُمْ عَلَى وَجَلٍ شَدِيدٍ وَأَنْشَأَ الْحُسَيْنُ علیه السلام ... ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ قَوْمُوا فَاشْرَبُوا مِنَ الْمَاءِ يَكُنْ آخِرَ زَادِكُمْ وَتَوَضَّؤُوا وَاغْتَسَلُوا وَاغْسَلُوا ثِيَابَكُمْ لِيَتَكُونَ أَكْفَانَكُمْ؛ (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۵۶-۱۵۷)

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا حضرت علی اکبر علیه السلام را با سی سوار و بیست پیاده فرستاد که چند مشک آب با نهایت ترس و بیم آوردند. سپس حضرت علیه السلام به یاران فرمود: از این آب بیاشامید که آخرین توشه شماست و وضو بسازید و غسل کنید و جامه های خود را بشویید که کفن های شما خواهد بود.

در این روایت، ایثارگری آن جا اتفاق افتاد که حضرت علی اکبر علیه السلام دز شب عاشورا زمانی که امام حسین علیه السلام به ایشان فرمود با تعدادی از یاران بروند و آب بیاورند، با آن که احتمال شهادت می داد، اما با فداکاری تمام رفتند و آب آوردند که این عمل به واقع ایثارگری به تمام معنا بود.

۲-۵. سخاوت و بخشندگی

از جمله برترین فضایل اخلاقی، سخاوت و بخشندگی است؛ به این معنا که آدمی آن چه را که دارد در طبق اخلاص می گذارد. حضرت علی اکبر علیه السلام این سخاوت و بخشندگی را از رسول خدا صلی الله علیه و آله به ارث برده بود؛ چرا که ایشان جامع اخلاق نبوی به شمار می رفت (صدوق، ۱۳۷۶: ۱۶۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۲۱/۴۴؛ قمی، ۱۴۱۴: ۳/۳۲۶).

دلیلی دیگری بر سخاوت حضرت علی اکبر علیه السلام همان بس که توسط معاویه زمانی که به یاران خویش گفت: «چه کسی در این زمان بر مسند خلافت شایسته تر است؟» یاران متملق به او گفتند: شما؛ اما او گفت: «نه، بلکه سزاوارترین مردم برای این مقام، علی بن الحسین بن علی است که جدش رسول خداست و شجاعت بنی هاشم و بخشش بنی امیه و جمال بنی ثقیف در وجود اوست». یحیی بن حسن علوی می گوید: طالبیون گفته اند: مادر آن علی بن الحسینی که شهید شده، ام ولد بود؛ و آن که مادرش لیلا بود، جد آنان بوده است که در زمان خلافت عثمان متولد شد (مجلسی، ۱۳۶۴: ۶۸). از این رو ابن ادریس در کتاب سرائر، درباره سخاوت و بخشندگی حضرت علی اکبر علیه السلام اشعاری را چنین نقل می کند:

لم تر عین نظرت مثله	من محتف یمشی ولا ناعل
یغلی نئیء اللحم حتی إذا	انضج لم یغل علی الأکل
کان إذا شبت له ناره	یوقدها بالشرف القابل
کیما یراها بئس مرمل	أوفرد حی لیس بالأهل
اعنی ابن لیلی ذالسد والتدا	أعنی ابن بنت الحسب الفاضل

لایوثرالدنیا علی دینه ولا یبیع الحق بالباطل^۱

(ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۶۵۵/۱)

حضرت علی اکبر علیه السلام آن چنان دارای سخاوت و بخشندگی بود که حتی معاویه - که دشمن اهل بیت علیهم السلام به شمار می رفت - بدین موضوع اشاره کرد؛ هر چند وی بخشندگی را به قبیله خود نسبت داد، اما وصف شدن فردی به فضیلت اخلاقی آن هم توسط دشمن خویش، امری کم نظیر است.

۲-۶. دلاوری و شجاعت

دلاوری و شجاعت، از جمله شاکله های اخلاقی است و از بنیادی ترین پایه های کامیابی به شمار می آید. به راستی که باید گفت شجاعت، تنها به معنای حذف و کشتن دشمن در میدان نبرد نیست؛ بلکه در دیگر میدان ها نیز نقشی بنیادین و تعیین کننده دارد. حضرت علی اکبر علیه السلام نمونه هویدای شجاعت است. ایشان این دلاوری و شجاعت را از جد بزرگوارش حضرت علی علیه السلام به ارث برده است. شجاعت وصف ناپذیر حضرت علی اکبر علیه السلام در کربلا را چنین نقل کرده اند:

فلم یزل یقاتل حتی ضج الناس من کثرة من قتل منهم و روی أنه قتل علی عطشه
مائة و عشرين رجلاً ثم رجع إلى أبيه وقد أصابته جراحات كثيرة؛ (بحرانی، ۱۴۰۷:
۲۸۶؛ حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۱۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۴۵؛ بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳:
۲۸۶/۱۷)

به قدری از آن لشکر کُشت که از کثرت کشته به فریاد آمدند و روایت شده علی اکبر با آن که تشنه بود، ۱۲۰ نفر را کشت، آن گاه نزد پدر بازگشت، در حالی که جراحات زیادی برداشته بود.

این ستایش از شجاعت حضرت علی اکبر علیه السلام نشان می دهد که او تنها برای

۱. همانا هیچ چشمی در جهان مثل او را ندیده است. بر اطعام مساکین و اکرام مهمان چندان حریص است که پیوسته انواع گوشت و غذا را با هر قیمتی گزاف و بهایی گران بخرد، به آسانی در اختیار مهمان می گذارد؛ و همواره به عادت همیشگی مهمان نواز است، به طوری که مردم نیازمند از هر طرف به سویش می آیند و برگرد سفره اش می نشینند. آن فرد مدح شده بزرگوار، فرزند لیلاست که هیچ گاه دین را رها نمی کند که به جای آن دنیا را برگزیند و حق را با باطل نفروشد.



کشتن میدان نیامده بود؛ چرا که اگر چنین بود، پس از کشتن شماری از افراد دشمن، میدان را ترک می کرد، اما چنین نکرد؛ چرا که انگیزه اش از بین بردن دشمن برای خرسندی خدا بود؛ زیرا آدمی یا برای رسیدن به مطامع و لذت این جهان می جنگد، یا برای خرسندی آن جهان؛ و ایشان جلوه هویدای نبرد با دشمن تنها برای جلب رضای الهی بود. از این روشجاعت ایشان، یک فضیلت اخلاقی به شمار می رود.

۲-۷. بردباری و خستگی ناپذیری

در زندگانی آدمی مراحل وجود دارد که دیگر توان ایستادگی در برابر مشکلات و سختی ها نیست و انسان خسته و فرتوت و از همه جا و همه کس نا امید می شود. اما کسی پیروز است و به سر منزل مقصود می رسد که این خستگی ها او را از پای دنیاورد.

حضرت علی اکبر علیه السلام نمونه هویدای صبوری و خستگی ناپذیری است. ایشان در میدان جنگ حق علیه باطل، با وجود تشنگی فراوان، با عده زیادی از دشمنان جنگید و آنان را به هلاکت رساند و در حالی بسیار زخم برداشته بود، نزد پدر آمد و عرض کرد:

يَا أَبُي! أَلْعَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي، وَثِقْلُ الْحَدِيدِ أَجْهَدَنِي، فَهَلْ إِلَى شَرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ سَبِيلٌ أَتَقْوَى
بِهَا عَلَيَّ الْأَعْدَاءُ؛ (حسینی موسوی، ۱۴۱۸: ۳۱۱/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۴۵)
پدر جان! تشنگی مرا از پای در آورد و سنگینی سلاح ناتوانم ساخت. آیا جرعه آبی هست که بتوانم بنوشم و به جنگ ادامه دهم؟!

در این زمان امام حسین علیه السلام به ایشان فرمود:

يَا بُنَيَّ! يِعْزُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى عَلِيٍّ وَعَلَى أَبِيكَ، أَنْ تَدْعُوهُمْ فَلَا يُجِيبُونَكَ، وَتَسْتَفِئَتْ
بِهِمْ فَلَا يُغِيثُونَكَ، يَا بُنَيَّ! هَاتِ لِسَانَكَ؛ (بحرانی، ۱۴۰۷: ۲۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۴۵؛ يعقوب، ۱۴۱۸: ۳۲۸)

پسر جان! چقدر بر حضرت محمد و علی و پدرت، ناگوار است که آنان را بخوانی، ولی پاسخی به تو ندهند و از آنان یاری بطلبی، ولی یاری ات نکنند. ای فرزندم! زبان خود را نزدیک آر!

آن‌گاه امام حسین علیه السلام زبان خویش را در دهان فرزند عزیزش گرفت و مکید و انگشتر خود را به حضرت علی اکبر علیه السلام داد و فرمود:

خُذْ هَذَا الْخَاتَمَ فِي فَيْكٍ وَارْجِعْ إِلَى قِتَالِ عَدُوِّكَ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنَّكَ لَا تُنْسِي- حَتَّى
يَسْقِيَكَ جَدُّكَ بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى شَرْبَةً لَا تَنْظَمُ بَعْدَهَا أَبَدًا؛ (بحرانی، ۱۴۰۷: ۲۸۶؛
عسکری، ۱۴۱۰: ۱۲۳/۳؛ لجنة الحديث، ۱۴۱۶: ۵۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۴۵؛ یعقوب،
۱۴۱۸: ۳۲۹)

این انگشتر را در دهانت بگذار و به نبرد با دشمن بازگرد. امیدوارم که هنوز به شب نرسیده، جدت رسول خدا با جامی سرشار از شربت بهشتی تو را سیراب سازد، به گونه‌ای که پس از آن هرگز تشنه نگردی!

پس از این ماجرا، حضرت علی اکبر علیه السلام به میدان نبرد رفت و پس از مدتی در آخرین دقایق عمر خویش چنین فریاد برآورد:

يَا أَيُّهَا السَّلَامُ عَلَيْكَ، هَذَا جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ سَقَانِي بِكَأْسِهِ الْأَوْفَى وَوَيْقَرْتُكَ السَّلَامَ
وَيَقُولُ: عَجَلُ الْقُدُومِ إِلَيْنَا فَإِنَّ لَكَ كَأْسًا مَذْخُورَةً؛ (سماوی، ۱۴۱۹: ۵۲؛ لجنة الحديث،
۱۴۱۶: ۵۵۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۴/۴۵)

سلام بر تو ای پدر! این جدم رسول خداست که مرا سیراب کرد و بر تو سلام می‌رساند و می‌گوید: در آمدنت به نزد ما شتاب کن که برای تو جامی از شراب بهشتی ذخیره نموده‌ام.

تشنگی برای انسانی که یک جا بدون هیچ فعالیت نشسته، ملال آور است. حال اگر در میدان باشد و بجنگد، ملالتی دوچندان دارد؛ اما حضرت علی اکبر علیه السلام این خستگی را به جان خرید و با بردباری در میدان ایستاد و آن جا که دیگر احساس ناتوانی کرد، نزد امام حسین علیه السلام رفت و عرض کرد: «تشنگی مرا از پای درآورد و سنگینی سلاح ناتوانم ساخت...». امام حسین علیه السلام در پاسخ به فرزند خویش فهماند که باید بردباری کند و خستگی را از پای دریاورد. به همین سبب، زبان خویش را در دهان فرزندش نهاد و انگشتر خویش را به او داد و فرمود: «این انگشتر را در دهان خویش بگذار و به میدان برو». یعنی صبر کن تا شهید شوی و آن زمان جدت تو را سیراب کند. حضرت علی اکبر علیه السلام نیز صبوری کرد و تا

آخرین نفس جنگید و سرانجام به شهادت رسید. از این رومی توان گفت یکی از نمادهای بردباری و خستگی ناپذیری، حضرت علی اکبر علیه السلام بود.

۳. نتیجه گیری

پژوهش حاضر پس از بررسی مستندات تاریخی و روایی، به این نتایج دست یافته است:

۱. حضور شجاعانه و قدرتمندانه حضرت علی اکبر علیه السلام با داشتن هدفی الهی و دارا بودن فضایل اخلاقی بسیار شگرف، ایشان را به عنوان یک الگوی جاودان مبدل ساخته است.

۲. حضرت علی اکبر علیه السلام شبیه ترین فرد در اخلاق رسول خدا صلی الله علیه و آله بود؛ به طوری که هر کس شیفته دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله می شد، به چهره حضرت علی اکبر علیه السلام نگاه می کرد؛ زیرا ایشان آینه تمام نمای سیرت اخلاقی رسول خدا صلی الله علیه و آله بود.

۳. دلاوری و شجاعت نیز یکی از شاخه های اخلاقی است که از بنیادی ترین پایه های کامیابی به شمار می آید. به راستی باید گفت شجاعت تنها به معنای حذف و کشتن دشمن در میدان نبرد نیست؛ بلکه در میدان های دیگر نیز نقشی بنیادین و تعیین کننده دارد. حضرت علی اکبر علیه السلام نمونه هویدای شجاعت به شمار می آید؛ گویی ایشان این دلاوری و شجاعت را از جد بزرگوارش حضرت علی علیه السلام به ارث برده است.

۴. عزت نفس، آن فضیلت اخلاقی است که انسان را از عقب نشینی در رسیدن به هدفی والا بازمی دارد؛ چرا که انسان با بصیرت هرگز عزت نفس و اهداف والای خویش را رها نمی کند، بلکه با شجاعت بسیار در این مسیر و برای رسیدن به آنها گام برمی دارد. حضرت علی اکبر علیه السلام بر اساس روایت ذکر شده با آن که با لشکر انبوه دشمن روبه رو بود، اما آنی عزت نفسش را دست نداد و در میدان ایستاد و جنگید و با این کار خویش، جلوه ای از اخلاق محمندی را به منصفه ظهور رساند.

۵. سؤال حضرت علی اکبر علیه السلام درباره برحق بودن جهادشان از پدر بزرگوارش، گواه بر



بصیرت دینی آن حضرت علیه السلام است.

۶. از جمله فضایل اخلاقی حضرت علی اکبر علیه السلام که حتی دشمنان آن جناب بدان اعتراف کرده‌اند، فضیلت سخاوت و بخشندگی ایشان بود که معاویه در سخنانی بدان اعتراف کرده و یکی از دلایل شایستگی حضرت علی اکبر علیه السلام برمسند خلافت را همین موضوع دانسته است.

منابع

- ابن ادريس، محمد بن احمد (١٤١٠ق)، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى (والمستطرفات)، تحقيق وتصحيح: حسن بن احمد الموسوي وابوالحسن بن مسيح، قم، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، چاپ دوم.
- ابن عساكر، على بن حسن (١٤١٤ق)، ترجمة الامام الحسين عليه السلام، تحقيق: محمد باقر المحمودي، قم، مجمع احياء الثقافة الاسلامية، چاپ سوم.
- ابى نصر، سهل بن عبدالله بخارى (١٤١٣ق)، سرالسلسلة العلوية، تحقيق، تقديم و تعليق: سيد محمد صادق بحر العلوم، قم، انتشارات شريف الرضى.
- بحراني، عبدالله (١٤٠٧ق)، العوالم الامام الحسين عليه السلام، تحقيق: مدرسة الامام مهدي عليه السلام، قم، مدرسة الامام مهدي عليه السلام.
- بحراني اصفهاني، عبدالله بن نورالله (١٤١٣ق)، عوالم العلوم والمعارف والأحوال الامام على بن أبى طالب عليه السلام، تحقيق وتصحيح: محمد باقر موحد ابطحى اصفهاني، قم، مؤسسة الامام المهدي عليه السلام، چاپ دوم.
- بستاني، فواد افرام (١٣٧٥ش)، فرهنگ ابجدى، تهران، اسلامي، چاپ دوم.
- حسيني موسوي، محمد بن ابى طالب. (١٤١٨ق)، تسلية المجالس وزينة المجالس (مقتل الحسين عليه السلام)، تحقيق وتصحيح: كريم فارس حسون، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية.
- حلى، جعفر بن محمد بن نما (١٤٠٦ق)، مثير الأحرار، تحقيق وتصحيح: مدرسه امام مهدي عليه السلام، قم، مدرسه امام مهدي، چاپ سوم.
- سماوى، محمد (١٤١٩ق)، أبصار العين فى أنصار الحسين عليه السلام، تحقيق: محمد جعفر الطبسى، قم، مطبعة حرس الثورة الإسلامية.
- صدوق، محمد بن على (١٣٧٦ش)، الأمالى، تهران، كتابچى، چاپ ششم.
- عسكرى، مرتضى (١٤١٠ق)، معالم المدرستين، بيروت، مؤسسة النعمان للطباعة والنشر والتوزيع.



- قرشى، سيد على اكبر (١٣٧١ش)، قاموس قرآن، تهران، دارالكتب الاسلاميه، چاپ ششم.
- قمى، عباس (١٤١٤ق)، سفينة البحار ومدينة الحكم والآثار، قم، اسوه.
- لجنة الحديث فى معهد باقرالعلوم عليه السلام (١٤١٦ق)، موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، قم، دارالمعروف للطباعة والنشر.
- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى (١٤٠٣ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقيق وتصحيح: جمعى از محققان، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ دوم.
- _____ (١٣٦٤ش)، زندگانی حضرت امام حسين عليه السلام (ترجمه جلد ٤٥ بحار الأنوار)، ترجمه: محمد جواد نجفى، تهران، اسلاميه، چاپ سوم.
- يعقوب، احمد حسين (١٤١٨ق)، كربلاء الثورة والمأساة، بيروت، الغدير للطباعة والنشر والتوزيع.

